

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّحْمَنِ. عَلَّمَ الْقُرْآنَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ. عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

سلام بر حضار گرامی، خواهران و برادران عزیز و شما که برای بزرگداشت یکی از پیشگامان و پیش‌کسوتان نهضت اسلامی معاصر، یعنی جناب استاد سیدعلی اکبر پرورش در این جا گرد آمده‌اید. مردی که تا آن‌جا که من اطلاع دارم، از نوجوانی و هنگامی که به عرصه اجتماع وارد شده، تا همین سال‌های اخیر، پیوسته در تلاش برای هدایت دیگران و راهنمایی و ارشاد جوانان قدم برداشته است. در همین جا به این استاد گرامی سلام می‌کنم، بر او درود می‌فرستم و آرزو می‌کنم خداوند سلامت کامل را به ایشان بازگرداند تا استاد بتواند هم‌چون گذشته، مجامع و محافل علمی و عقیدتی را به نور علم خود روشن گرداند.

دوستان حاضر در جلسه طبعاً تصدیق می‌فرمایند که حضور من در این جا بیشتر به اعتبار شاغل بودن در آموزش و پرورش و فرهنگی‌بودنم است و این البته مایه مباحث بنده است. اما خارج از این اعتبار، من خودم را از نسل بعد از آقای پرورش می‌دانم؛ یعنی از کسانی که تحت تعالیم امثال ایشان به عرصه اسلام و انقلاب، به رهبری حضرت امام خمینی راه یافتیم و شاهد پیروزی انقلاب اسلامی شدیم. و این جنبه، برای من اصلاتی دارد که جنبه اول ندارد؛ اگرچه به هر حال خدمت‌گزاری در راه پرورش فرزندان امت اسلامی، خودافتخاری بزرگ است.

اجازه می‌خواهم قبل از ورود به بیان مختصری درباره شخصیت استاد پرورش، اشاره‌ای داشته باشم به مقوله «بیان» که فصل مشترک همه کسانی است که توانایی هدایت و ارشاد مردم را به عهده دارند. همان‌طور که در چند آیه اول سوره مبارکه الرحمن آمده است و من آن را در صدر صحبت‌ها قرائت کردم، بیان از نظر قرآن، ویژگی منحصر به فردی است که خداوند رحمان - یعنی کسی که رحمتش بر مخلوقات علی‌الاطلاق است، آن را به انسان عطا کرده است. من فکر می‌کنم اگر بخواهیم به سیاق آن‌ها که در تعریف انسان می‌گویند: حیوان ناطق است، انسان را در اسلام تعریف کنیم، می‌توانیم بگوییم «انسان موجودی است که بیان دارد». از این جا می‌توان دریافت، اشخاصی که قدرت بیان ویژه دارند و می‌توانند از این طریق دیگران را به راه صحیح هدایت کنند، در درجه اول پیامبران و صاحبان کلام متین و قدرت سخنوری هستند. معلمان را هم طبعاً در همین راستا باید ارزیابی کرد. به این اعتبار، باید استاد پرورش را هم یکی از صاحبان بیان و دارای قدرت سخنوری دانست که تنها با کلام خود توانسته است چند نسل را در اصفهان و چه بسا در جاهای دیگر، تحت تعلیم و تربیت اسلامی قرار دهد. اما حالا اجازه می‌خواهم گامی فراتر بگذارم و تا آن‌جا که وقت اجازه می‌دهد، مقداری مشخص‌تر راجع به استاد پرورش صحبت کنم

البته من در دوره نوجوانی مستقیماً در جریان تعلیمات ایشان نبوده‌ام و آشنایی‌ام با ایشان بیشتر به ایامی بازمی‌گردد که آقای پرورش وزیر شدند و مردم ایران شناخت بیشتری نسبت به ایشان پیدا کردند. به هر حال، من با استفاده از نظرات و دانسته‌های دوستان اصفهانی که یا از زمان دانش‌آموزی شاگرد آقای پرورش بوده‌اند و یا در جلسات از درس‌های ایشان بهره می‌برده‌اند، سعی می‌کنم درباره ایشان بیاناتی خدمت شما عرض کنم.

به نظر من زندگی آقای پرورش را می‌توان از سه زاویه نگاه کرد.



نوشته‌ای که می‌خوانید

متن سخن‌رانی تنظیم

شده یکی از چهره‌های

فرهنگی است که

قرار بود در مراسم

بزرگداشت استاد

علی اکبر پرورش،

وزیر اسبق آموزش و

پرورش که در آبان

ماه سال جاری در

اصفهان برگزار شد.

قرائت شود، ولی به

دلایلی انجام نشد.

با تشکر از نویسنده

محترم و آرزوی بهبودی

و سلامتی برای استاد

پرورش، توجه شما را به

آن جلب می‌کنیم. رشد

# در ستایش یک معلم

به عبارت دیگر، سه مرحله متفاوت در زندگی استاد قابل توجه است:

**مرحله اول،** زندگی معلمی ایشان است. آقای پرورش متولد ۱۳۲۱ است و با توجه به این که از دانشگاه اصفهان لیسانس گرفته و وارد آموزش و پرورش شده است، باید در حدود سال‌های ۴۳-۴۲ وارد خدمت معلمی شده باشد و این درست مقارن آغاز نهضت ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی است. می‌خواهم بگویم که پرشورترین سال‌های جوانی استاد، با خیزش ۱۵ خرداد مقارن شده و معلوم است که این نهضت چه انرژی و قدرتی در پیکر جوانانی مثل ایشان تزریق کرده است.

نکنه‌ای را مایلیم در این جا بگویم و آن این است که در سال‌های قبل از انقلاب، بویژه در دهه ۴۰، ما در بیشتر شهرهای ایران معلمانی داشتیم که اگرچه انگشت‌شمار بودند، ولی تأثیر قابل توجهی روی نوجوانان و دانش‌آموزان گذاشتند. مثلاً در همدان آقای **سید کاظم اکرمی** بود، در آبادان آقای **سید محمد کیوش**، در مشهد البته پیش از این دهه، مرحوم **محمد تقی شریعتی**، پدر دکتر شریعتی. در شیراز عده‌ای که از آن جمله آقای **نعمت‌الله تقا** بود که اتفاقاً مدت کوتاهی هم معاون پرورشی همین استاد پرورش بود. در رشت گمان می‌کنم مرحوم **حجت الاسلام احسان بخش** بود. در تهران هم که بیشتر از همه‌جا از این معلمان داشتیم که در صدر آنها آقایان **دکتر بهشتی**، **دکتر باهنر**، مرحوم **روزبه اسدی لاری** و بسیاری دیگر بودند. خوب، در اصفهان هم آقای پرورش بوده است. کسانی که از آن سال‌ها برای من تعریف کرده‌اند، آقای پرورش را از فعال‌ترین معلمان در این زمینه می‌دانند که البته ایشان تنها هم نبوده‌اند، ولی به هر حال شاخص بوده‌اند.

نکنه قابل توجهی که در این جا می‌خواهم به آن اشاره کنم، نقش این اشخاص، یعنی به تعبیر من، معلمان و مربیان بی‌مزد و مکت، در تحولات اجتماعی منجر به انقلاب اسلامی است که البته مقدم بر این تحول اجتماعی، مسئله تهذیب و تربیت فردی افراد - که عمدتاً همان نوجوانان آن زمان بودند - نیز چشم‌گیر بود.

شما امروز، به‌ویژه در ماه‌های اخیر، با اصطلاح «شبکه‌های اجتماعی» بیشتر از گذشته آشنا شده‌اید و مخصوصاً غربی‌ها هم سعی می‌کنند آن را بزرگ کنند و تأکید کنند که مثلاً بهار عربی و به تعبیر ما بیداری اسلامی که در خاورمیانه واقع شده، ناشی از وجود شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، از جمله فیس‌بوک و مانند آن بوده است. من کاری به درست یا نادرست بودن این حرف فعلاً ندارم، اما می‌خواهم به شما عرض کنم که شبکه‌های اجتماعی جدی و اساسی - آن هم مبتنی بر ایمان و اخلاق و مجاهدت و مبارزه را - در کشور ما، در دهه ۴۰ و ۵۰ همین معلمان بودند که به وجود آوردند. شما حتماً می‌دانید که در آن دوره چه تعداد جلسات عقیدتی، دینی، سخنرانی و... مخفی یا علنی، در شهرهای ما تشکیل می‌شد و به تدریج طی چند سال نیروهایی را

پرورش و آماده‌سازی کرد که در آستانه انقلاب تقریباً همه جوان‌های مسلمان ما زبان واحدی داشتند. به نظر من این از برکت همان شبکه‌های اجتماعی اسلامی و مردمی بود که عمدتاً این‌گونه معلمان به وجود آورده بودند. به هر حال، ویژگی استاد پرورش باز هم آن طور که من شنیده‌ام، اولاً سخنرانی‌های فراوان در جلسات و مجامع دینی اصفهان برای نوجوانان بود ثانیاً همگامی ایشان با روحانیت بیدار و آگاه آن زمان و از همه مهم‌تر محتوای مطالب ایشان که مبتنی بر قرآن و نهج البلاغه بوده است. در حقیقت ایشان با تسلطی که بر ادبیات عرب داشتند و تربیت قرآنی که داشتند، گروه بسیاری از نوجوانان مدارس و دانشجویان را با معارف اسلامی آشنا کردند که نتیجه آن بعداً در انقلاب اسلامی به ظهور رسید. من شنیده‌ام که آقای پرورش در برپایی «کانون علمی و تربیتی جهان اسلام» که با همکاری کسانی از جمله مرحوم مهندس عبدالعلی مصحف و جمعی دیگر از متدین اصفهان تأسیس شده بود و البته چند سال بیشتر نتوانست از گزند ساواک در امان بماند - نقش فعالی داشته‌اند.

**مرحله دوم زندگی استاد پرورش** سال‌های نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی است که مبارزات شدت می‌گیرد و امکان فعالیت‌های معمولی و ساده هم از افراد سلب می‌شود. این سال‌ها بویژه از وقتی آن ضربه معروف به ضربه ۵۴ اتفاق افتاد، یعنی وقتی که در سازمان مجاهدین خلق انحراف بزرگی روی داد و جمع بسیاری را به بیراهه کشاند، که همه ماجرای آن را شنیده‌ایم، بر مبارزاتی مثل استاد پرورش، کار سخت شد. این‌ها از دو طرف تحت فشار شدید قرار گرفتند، یکی از طرف رژیم شاه و دستگاه جهنمی او ساواک که هر گونه صدای مخالفی را در گلو خفه می‌کرد و دیگری از طرف فضای ضداسلامی و الحاد مارکسیستی که روح سیاه خود را در فضای مبارزه به‌خصوص در دانشگاه‌ها گسترده بود. کسانی مثل ایشان باید قبل از هر چیز امید به مبارزه و پایداری را - که روبه افول می‌رفت، در جوانان زنده نگاه می‌داشتند و از سوی دیگر با تحلیل عقلانی و عقیدتی و علمی، بر مبنای معارف اسلامی، بچه‌ها را تغذیه فکری و ایمانی می‌کردند؛ بچه‌هایی که بسیاری‌شان در اثر آن واقعه وحشتناک، نه تنها امید به مبارزه بلکه اعتقاداتشان را هم از دست داده بودند. خوش‌بختانه این دوره چندان به طول نینجامید، چرا که با وقوع انقلاب اسلامی و پیروزی آن در بهمن ۱۳۵۷ و در یک کلمه با رهبری امام خمینی، هیمنه آن گروه‌های الحادی درهم شکست و دوره‌ای به کلی جدید در حیات اجتماعی ایران آغاز شد.

**مرحله سوم زندگی مبارزاتی استاد پرورش** از این مرحله به بعد شکل می‌گیرد که از جمله به وزارت ایشان در آموزش و پرورش می‌انجامد. آقای پرورش نیروی بسیار مناسبی برای آموزش و پرورش در آن شرایط بود. شرایط که می‌گویم، شاید درک آن امروز برای ما آسان

شبکه‌های  
اجتماعی جدی و  
اساسی - آن هم  
مبتنی بر ایمان و  
اخلاق و مجاهدت  
و مبارزه را - در  
کشور ما، در دهه  
۴۰ و ۵۰ همین  
معلمان بودند که  
به وجود آوردند



موسی دادی زاده (۱۳۴۸)  
معلم نمونه کشوری.  
هرمزگان

موسی دادی زاده متولد بندرعباس و دارای مدرک فوق‌لیسانس مدیریت آموزشی است. وی اهل قلم و پژوهش و تحقیق است و تاکنون آثاری پدید آورده است که از جمله عبارت است از: ارزیابی عملکرد معلمان راهنما در انجام وظایف شغلی، تألیف کتاب دانش قومی، تألیف کتاب شناسنامه قومیت‌های شهرستان میناب، تدوین بانک جامع مراکز اقامتی و تفریحی استان هرمزگان. وی در زمینه تدوین منابع کمک‌آموزشی و سؤالات امتحانی مدارس نیز کارهایی انجام داده است.



■ **خیلی بجا، بلکه ضروری است که مجموعه آثار استاد بازبینی و ویرایش شود و از سوی نهاد یا مرکزی تجدید چاپ شود تا هم برای نسل جوان کنونی قابل استفاده باشد و هم برای آیندگان بماند**

■ **ایشان با تسلی که بر ادبیات عرب داشتند و تربیت قرآنی که داشتند، گروه بسیاری از نوجوانان مدارس و دانشجویان را با معارف اسلامی آشنا کردند که نتیجه آن بعداً در انقلاب اسلامی به ظهور رسید**

نباشد اما اجمالاً، هم دوره جنگ بود، هم دوره تسلط گروه‌های الحادی و منافقین بر مدارس و دانشگاه‌ها بود و هم مشکل اداره خود این دستگاه عظیم بود و لذا تنها اشخاصی مثل ایشان می‌توانستند این مسئولیت را بپذیرند که واقعاً این «وزر» یا وزرات، یعنی بار سنگین را تحمل کنند. شنیده‌ام که در آن زمان مقام معظم رهبری در نکته‌ای لطیف در اشاره به وزارت ایشان گفته بودند که «آموزش بدون پرورش نمی‌شود و آموزش و پرورش هم بدون پرورش نمی‌شود!» در آن زمان هر استانی، برای خود مسئله‌ای داشت که عمدتاً ناشی از حضور گروه‌های مخالف و بعضاً هم اختلافات بین نیروی انقلابی بود. اما بعضی از استان‌ها مثل کردستان و آذربایجان غربی و... خودشان به طور کلی «مسئله» بودند و آقای پرورش خوش‌بختانه توانست با همکاری نیروهای قوی و بالمانی که خوش‌بختانه زیاد در اطراف خود داشت، و با اعتقاد قلبی و عمیقی که خود ایشان به اسلام و انقلاب داشت، به تدریج بر این مشکلات فایز آید تا اندک اندک آموزش و پرورش در طی چند سال سامان گرفت.

\*\*\*

#### سخن را کوتاه کنم

باید بین بزرگداشت‌هایی از این قبیل، که برای افرادی عالم، معلم و مبارز که حقیقتاً این‌ها مصداق «شمع» هستند که می‌سوزند و به محیط نور می‌بخشند، با بزرگداشت‌هایی که به مناسبت‌های صرفاً دنیوی و تشریفاتی گرفته می‌شود، فرق گذاشت. این‌گونه مجالس معمولاً ادامه همان مجالس و محافل است که این‌گونه اشخاص - روزی پایه‌اش را گذاشته و در غربت و تنهایی به پای آن سوخته‌اند تا امروز به جامعه بزرگ مثل همین تبدیل شده است. در این جا من به دوستان عزیز می‌گویم که بانی این بزرگداشت شده‌اند، دو پیشنهاد می‌کنم:

یکی این که استاد پرورش اهل قلم هم بوده و آثار و تألیفاتی دارند که گمان نکنم امروز در دسترس باشد؛ به خصوص آثار قرآنی و نهج‌البلاغه ایشان. خیلی بجاست بلکه ضروری است که مجموعه آثار استاد بازبینی و ویرایش شود و از سوی نهاد یا مرکزی تجدید چاپ شود تا هم برای نسل جوان کنونی قابل استفاده باشد و هم برای آیندگان بماند.

پیشنهاد دوم، تکرار این‌گونه بزرگداشت‌ها برای دیگر معلمان برجسته این شهر و همه شهرهای دیگر است. اگر بتوان در شهر بزرگی مثل اصفهان، هر سال برای پنج معلم طراز اول مراسم بزرگداشت برگزار کرد، در طی چند سال، خود به خود بخشی از تاریخ تعلیم و تربیت این استان خودش را آشکار می‌کند و چه برکاتی از آن حاصل می‌شود.

در پایان، باز هم برای استاد آرزوی بهبود و بازگشت سلامتی دارم.  
وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ.

# گشتن خلاقیت در مدرسه؟!!

حسین باقری  
کارشناس آموزش ابتدایی و آموزگار  
دبستان امام خمینی شهرستان دیر

خلاقیت، یکی از موضوعات پر بسامد در مقاله‌نویسی معلمان در سال‌های اخیر است. خوش‌بختانه یا متأسفانه در این زمینه مقالات زیادی به مجله رسیده‌است که غالباً حرف تازه‌ای در بر ندارد و نمی‌تواند راهکاری برای شما معلمان عزیز در مدارس باشد. حرف‌ها عموماً تکرار یا نقل مطالبی است که در کتاب‌ها و سخن‌رانی‌ها و همایش‌ها گفته شده و برای همه کمابیش آشناست. از این روست که این‌گونه مقالات به مجله نیز راه نمی‌یابد. اما مقاله حاضر، از این جهت که به پاره‌ای از موانع خلاقیت پرداخته و کوشیده است مصداق‌های عینی موجود در مدارس را که خود سد راه شکوفایی و رشد و خلاقیت مورد اشاره قرار دهد، برای چاپ انتخاب شد. عنوان این نوشته در دفتر مجله انتخاب شده است. برای نویسنده آرزوی موفقیت داریم. رشد

### • تأکید زیاد بر نمره دانش آموز به عنوان ملاک خوب بودن

این موضوع یکی از شایع‌ترین موانع رشد خلاقیت در دانش‌آموزان به‌شمار می‌رود. هنگامی که دانش‌آموز احساس کند تنها چیزی که اهمیت بیشتری دارد و در ارزیابی‌ها ملاک خوب بودن شمرده می‌شود، نمره بالاست و نه چیز دیگر، در نتیجه، کسب نمره بیشتر، به خودی خود برای وی حکم مهم‌ترین هدف را پیدا می‌کند و بنابراین، او تنها برای به دست آوردن آن می‌کوشد. در چنین جوی، تلاش برای خلاقیت و نوآوری دانش‌آموز، معنایی نخواهد داشت.

### • روش‌های تدریس کهنه و مبتنی بر معلم محوری

به کارگیری افراطی روش‌های کهنه که در آن‌ها معلم بیشتر نقش محوری را در کلاس ایفا می‌کند و تدریس بر سخن‌رانی و استفاده از مهارت‌های کلامی مبتنی است، سبب می‌شود دانش‌آموز در فرایند تدریس و یادگیری و ایفای نقش فعال، فرصت مشارکت کمتری پیدا کند. دانش‌آموزی که در چنین سیستمی تحصیل می‌کند، مجالس برای بروز استعدادها و خلاق نمی‌یابد و به تدریج تحرک و پویایی خود را از دست می‌دهد.

### • عدم شناخت معلم نسبت به خلاقیت

در بسیاری از موارد، آشنا نبودن معلم با مبرمی باشیوه‌های پرورش خلاقیت دانش‌آموزان، به تنهایی مانعی بزرگ در این زمینه محسوب می‌شود.

معلمی که از ماهیت خلاقیت، موانع و روش‌های پرورش شناخت صحیحی نداشته باشد، بدیهی است نه تنها نمی‌تواند اقدامی برای بروز استعدادها و خلاق دانش‌آموزان خود در کلاس انجام دهد، بلکه ممکن است ناآگاهانه و به مرور زمان کلاس درس خود را